

مطالعه نقش‌های باد صبا در شعر حافظ از منظر ارتباطی

علی اصغر کیا

دانشیار گروه ارتباطات اجتماعی دانشکده ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی تهران، aliasgharkia@yahoo.com

سعید ثقه‌ای

کارشناس ارشد ارتباطات اجتماعی دانشکده ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی تهران، saeedsaghei@yahoo.com

چکیده:

این مقاله با مطالعه موردی اشعار حافظ و تطبیق آنها از منظر ارتباطی، نمودار درختی‌ای ارائه می‌دهد که نشان‌دهنده شش نقش مهم و اصلی باد صبا (در اشعار این شاعر) در قالب هشت زیر شاخه است. باد صبا یکی از عناصر طبیعی در اشعار حافظ است. اگر از منظر علم ارتباطات به آن نگاه شود، ارکان و مفاهیم فراگرد ارتباطی در آن کاملاً مشهود است. باد صبا در اشعار حافظ، نقش‌های ارتباطی بسیاری را برعهده دارد. در نقش منبع مطلع است؛ در جایگاه فرستنده، خبررسانی می‌کند، پیام می‌دهد، در نقش مجرا یا کانال، پیام و مفاهیم را منتقل می‌کند، در جاهایی نقش پیک و قاصد را دارد، گیرنده پیام است، معنا را در ذهن گیرنده متبلور می‌کند و خلاصه این که نقش‌های ارتباطی گوناگونی را می‌توان از باد صبا مشاهده کرد. در این مقاله، ضمن مطالعه نقش‌های ارتباطی باد صبا، کیفیت و میزان نقش‌پذیری‌ها مورد دقت قرار می‌گیرد و سپس با ارائه نمودار، مدل و جدول‌هایی، نتایج تحقیق مشهود و محسوس‌تر نشان داده می‌شود.

کلید واژه‌ها: باد صبا، اشعار حافظ، فراگرد ارتباطی، معنی.

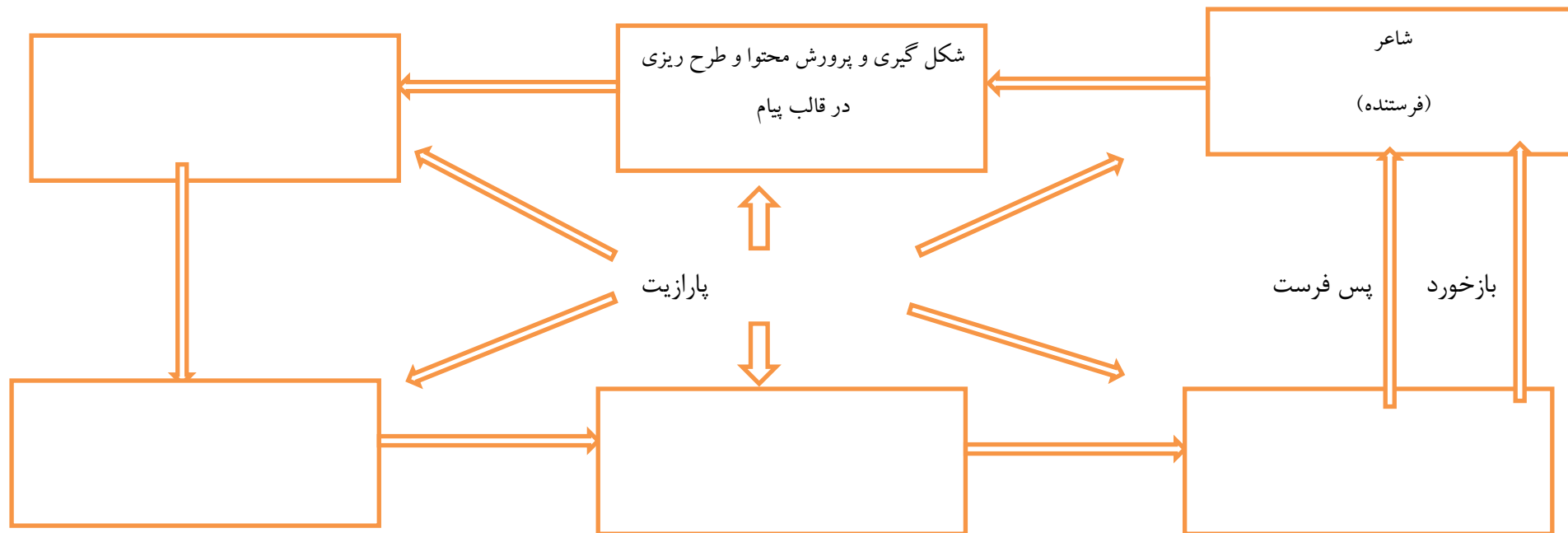
مقدمه:

در این مقاله با تحلیل و تطبیق مفاهیم و ارکان فراگرد ارتباطی با کار ارتباطی شاعران، به این نکته پی می‌بریم که می‌توان یک مدل ارتباطی را مخصوص شعر و مضامین مرتبط پی‌ریزی کرد. فراگرد ارتباطی شامل فرستنده یا منبع، پیام، رمزگذاری، کانال یا مجرا، رمزگشایی و گیرنده یا مقصد است. در این فراگرد، برای رساندن پیام از منبع به مقصد نیازمند رسانه، کانال و یا مجرا هستیم تا بدان وسیله پیام رمزگذاری شده به دست گیرنده برسد و رمزگشایی شود. از مدل‌های بسیار زیادی که در این زمینه موجود است می‌توان به مدل‌های شانون و ویور، ویلبر شرام، دیوید برلو، بارنلوند، گویر و دانس و... اشاره کرد. مفاهیم زیادی در قالب اشعار، توسط شاعران در سده‌های پیشین بیان شده است و سال‌ها این مفاهیم و موضوعات سینه به سینه نقل گشته و مورد استفاده مردم هر عصر به فراخور درک آنها قرار گرفته است. با این وجود، امروز بیش از گذشته، استفاده، رمزگشایی و بهره‌مندی از این مفاهیم در راستای اهداف ارتباطی، مهم جلوه می‌کند.

در زمان گذشته، تنها رسانه موجود کتاب بوده است و شاعران برای برقراری ارتباط خود از آن بهره گرفته‌اند، اما امروز با وجود ده‌ها رسانه گوناگون، به نظر می‌رسد دیگر مفاهیم رسانه‌ها از چنان محتوای غنی و با اهمیتی برخوردار نیست و این شاید به دلیل غلبه صورت رسانه بر محتوا باشد. به گونه‌ای که حتی از اهمیت شعر، به مثابه یک فراگرد ارتباطی هم کاسته شده و ما دیگر کمتر شاهد ظهور افراد نخبه در این زمینه هستیم. برای ارتقاء وضعیت موجود، نیاز به کنکاش و تحلیل محتوای این گونه فرآیندهای ارتباطی احساس

می‌شود. متأسفانه به استناد پژوهش‌های موجود، پژوهشگران و اندیشمندان علم ارتباطات استقبال زیادی برای ورود به حوزه متون کهن ایرانی نشان نداده و تا حدودی از این حوزه غافل بوده‌اند و در نتیجه منابع و پژوهش‌های مرتبط اندک است. پژوهش‌های حوزه ادبیات فارسی نیز بیشتر از زاویه مباحث ادبی صرف بوده‌اند و به نظر می‌رسد کاری علمی به شکل بین رشته‌ای تاکنون صورت نگرفته باشد.

شاعران براساس قصد و نیتی که در ذهن دارند و در صدد انتقال آن به مردم هستند پیام خود را شکل می‌دهند و آن را به قالب شعر در می‌آورند. در واقع فرستنده یا همان شاعر، با شکل دادن پیام در ذهن و سنجش تاثیر آن بر مخاطب و سپس رمزگذاری آن به صورت شعر، از راه مجرای کتاب، آن را به مردم انتقال می‌دهد. مخاطب نیز با استفاده از کتاب و رمزگشایی اشعار، تا حدودی پی به مقصود و نظر شاعر می‌برد و حلقه ارتباطی به پایان می‌رسد. از این‌رو به این فرآیند، حلقه ارتباطی گفته می‌شود که مخاطبان نیز توسط بازخورد و پس فرست‌های خود که فرقیشان به ترتیب در عقلانی بودن اولی و لحظه‌ای و غیر عقلانی بودن دومی است، به شروع کننده حلقه ارتباطی یا همان شاعر وصل می‌شوند. بنابراین اگر مدل ارتباطی را بخواهیم برای شاعران ترسیم کنیم، به مدل زیر می‌رسیم که به بیشتر مدل‌های ارتباطی شبیه است (شکل ۱).



شکل ۱. فراگرد ارتباطی حلقه ای ویژه شعر

اشعار شاعران و مفاهیم مورد استفاده در آنها نیازمند دو نوع رمزگشایی است. اولین رمزگشایی، خواندن اشعار و یا شنیدن آنها در قالب کلمات موزون و وزن دار و دومین رمزگشایی، رمزگشایی از کلمات و مفاهیمی خاص است که شاعر آنها را در لایه‌های پنهان شعرش نهاده و برداشت آنها برای همگان یکسان نیست. تفاوت اشعار با متون رسانه‌ای که بیشتر از زبان معیار استفاده می‌کنند در این است که محتوای مقصود آفریننده آن، به دلیل کاربرد واژگان و صنایع ادبی، آن هم به صورت هنرمندانه، در بیشتر مواقع با محتوای مشهود مخاطبان، همخوانی کامل و صد در صد ندارد و گاهی اوقات حتی مغایر نیز هست.

برای تحلیل نقش‌های ارتباطی باد صبا، ابتدا نیاز است تا این مفهوم، رمزگشایی شود. سپس باید دید در اشعار حافظ چه مفاهیم ارتباطی و چگونه مطرح شده‌اند؟ و این که آیا می‌توان برای صبا نقش‌های ارتباطی در نظر گرفت؟ اگر پاسخ مثبت است این نقش‌ها چه نقش‌هایی از مراحل فراگرد ارتباطی را شامل می‌شوند؟ و در آخر این که آیا می‌توان بین مفاهیم ارتباطی مطرح شده از سوی حافظ در قرن‌ها پیش، با مفاهیم و نظریات مطرح در علم ارتباطات در چند دهه اخیر، پیوندی قائل شد؟

رمزگشایی از باد صبا

حافظ همانند بسیاری از شاعران دیگر، در اشعارش از طبیعت‌گرایی استفاده کرده و عناصر طبیعی را در جای جای شعرهایش به کار برده است. گاه به کمک آرایه تشخیص به آنان جان داده و گاه حتی آنان را صاحب درک، شعور و صفاتی عالی دانسته است. برای نمونه فقط در زمینه به کارگیری عنصر طبیعی باد، بالغ بر بیست و یک نوع باد در اشعارش مشاهده می‌شود.

از باد بهار، خزان، دی و صبا گرفته تا باد پریشانی، غرور، نخوت و... که البته حافظ از باد صبا بسیار بیشتر استفاده کرده و برایش صفات مختلفی را برشمرده است. به طوری که با جستجو در کل اشعار حافظ درباره میزان به کارگیری واژه صبا و اشکال ارتباطی آن (جدول ۱) مشخص می‌شود که کلمه صبا ۹۷ بار و باد صبا ۲۳ بار به کار رفته است و این خود به تنهایی نشان از اهمیت و جایگاه مهم این باد در نزد شاعر است.

جدول ۱. میزان تکرار و به کارگیری اشکال ارتباطی کلمه صبا در نمونه مورد تحلیل

عبارت مورد نظر	فراوانی	درصد
باد صبا	۲۳	۵۴/۷۶
نسیم صبا	۲	۴/۷۶
پیک صبا	۳	۷/۱۴
ای صبا	۱۲	۲۸/۵۷
ای پیک صبا	۱	۲/۳۸
ای باد صبا	۱	۲/۳۸

۱۰۰	۴۲	جمع کل
-----	----	--------

صبا، نسیمی است که در وقت طلوع خورشید از مشرق می‌وزد. نسیمی که عاشقان با آن راز دل می‌گویند و در اصطلاح عبدالرزاق کاشی، صبا "نفحات رحمانیه" است که از جهت مشرق روحانیات می‌آید. صبا نقش-های زیادی در دیوان حافظ دارد و قاصدی خوش خبر میان عاشق و معشوق است. باد صبا آهسته می‌وزد و با پراکندن عطر وجود یار نمی‌گذارد حافظ لحظه‌ای از او دور بماند و حافظ از او می‌خواهد سر سپردگی‌اش را به محبوبش برساند.

خبر دهی و صبا

یکی از شش نقش مهم و اصلی باد صبا منطبق با فراگرد ارتباطی، خبردهی است. باد صبا در نقش اولین عنصر فراگرد ارتباطی (فرستنده) است و نقش خبردهی را ایفا می‌کند. خبردهی باد صبا خود شامل دو زیر شاخه است: خبر رسانی یک سویه و خبر رسانی دو سویه یا به عبارتی چاپار.

الف) خبر رسانی یک سویه

باد صبا خبر رسانی می‌کند و جالب آن که همه اخبارش مثبت و خوش است. در پنج غزل از اشعار حافظ، به خوبی این نقش آشکار است و باد صبا اخباری خوش را برای شاعر که نقش دلداده را بر عهده دارد، به ارمغان می‌آورد و شاعر یا همان دلداده، مست و سرخوش از خبرهای باد صبا به آن لقب هد هد خوش خبر داستان حضرت سلیمان را می‌دهد. در این نقش، باد صبا فقط یک سویه عمل می‌کند به این معنا که خبری را به شاعر می‌دهد و در همین جا نقشش پایان می‌پذیرد. در واقع فرستنده و خبر رسانی است که یک طرفه عمل می‌کند و به انتشار خبر برای مخاطبش بسنده می‌کند.

بعد از این دست من و دامن سرو و لب جوی / خاصه اکنون که صبا مژده فروردین داد

(دیوان حافظ، غزل ۱۱۲)

صبا به خوش خبری هدهد سلیمان است / که مژده طرب از گلشن سبا آورد

(همان، غزل ۱۴۵)

نسیم باد صبا دوشم آگهی آورد / که روز محنت و غم رو به کونتهی آورد

(همان، غزل ۱۴۷)

بوی بهبود ز اوضاع جهان می‌شنوم / شادی آورد گل و باد صبا شاد آمد

(همان، غزل ۱۷۳)

مژده ای دل که دگر باد صبا باز آمد / هدهد خوش خبر از طرف صبا باز آمد

(همان، غزل ۱۷۴)

ب) خبر رسان دو سویه (چاپار)

انتخاب نام چاپار برای دومین زیر شاخه نقش خبر دهی، به این دلیل است که این بار باد صبا وظیفه انتقال خبر، پیام و اطلاعات را بین دو طرف ارتباطی عهده‌دار است و بر خلاف زیر شاخه قبلی که فقط پیام یا خبری را برای شاعر می‌آورد این بار وظیفه دارد خبر یا اطلاعی را بین شاعر و طرف ارتباطی (معشوق یا دیگران) منتقل کند. بنابراین باد صبا باید پیام یا اطلاعاتی را از شاعر به یکی از طرف‌های ارتباطی و یا به عکس انتقال دهد.

بین شاعر و معشوق

باد صبا مدام بین دو طرف ارتباطی، دل‌داده و دلبر، در رفت و آمد است و به‌ویژه عاشق از وی می‌خواهد که به حتی برای لحظه‌ای، او را از معشوق بی‌خبر نگذارد و این اطلاع‌رسانی را پیوسته انجام دهد. بیشترین میزان نقش باد صبا در همین جا است؛ به گونه‌ای که حافظ باد صبا را در سیزده غزل و در هر غزل توسط یک یا چند بیت به‌خوبی مامور این کار کرده است.

صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را / که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای ما را

(همان، غزل ۴)

حافظ مرید جام می است ای صبا برو / وز بنده بندگی برسان شیخ جام را

(همان، غزل ۷)

ای صبا گر به جوانان چمن بازرسی / خدمت ما برسان سرو و گل و ریحان را

هر صبح و شام قافله ای از دعای خیر / در صحبت شمال و صبا می فرستمت

(همان، غزل ۹)

صبا از عشق من رمزی بگو با آن شه خوبان / که صد جمشید و کی خسرو غلام کمترین دارد

(همان، غزل ۱۲۱)

کس نیارد بر او دم زند از قصه ی ما / مگرش باد صبا گوش گذاری بکند

(همان، غزل ۱۸۹)

تو را صبا و مرا آب دیده شد غماز / و گر نه عاشق و معشوق رازدارانند

(همان، غزل ۱۹۵)

هم عفاالله صبا کز تو پیامی می‌داد/ ورنه در کس نرسیدیم که از کوی تو بود

(همان، غزل ۲۱۰)

صبا ز منزل جانان گذر دریغ مدار/ وز او به عاشق بی‌دل خبر دریغ مدار

(همان، غزل ۲۴۷)

ای صبا گر بگذری بر ساحل رود ارس/ بوسه زن بر خاک آن وادی و مشکین کن نفس

منزل سلمی که بادش هر دم از ما صد سلام/ پرصدای ساربانان بینی و بانگ جرس

محمل جانان ببوس آن گه به زاری عرضه دار/ کز فراق سوختم ای مهربان فریاد رس

(همان، غزل ۲۶۷)

صبا زان لولی شنگول سرمست/ چه داری آگهی چون است حالش

(همان، غزل ۲۷۹)

گر به سرمنزل سلمی رسی ای باد صبا/ چشم دارم که سلامی برسانی ز منش

(همان، غزل ۲۸۱)

حافظ زگریه سوخت بگو حالش ای صبا/ با شاه دوست پرور دشمن گداز من

(همان، غزل ۴۰۰)

یار من چون بخرامد به تماشای چمن/ برسانش ز من ای پیک صبا پیغامی

(همان، غزل ۴۶۷)

بین شاعر و دیگران

ای صبا با ساکنان شهر یزد از ما بگو/ کای سر حق ناشناسان گوی چوگان شما

(همان، غزل ۱۲)

ای صبا بر ساقی بزم اتابک عرضه دار / تا از آن جام زر افشان جرعه ای بخشد به من

(همان، غزل ۳۹)

صبا بر آن سر زلف ار دل مرا بینی / ز روی لطف بگویش که جا نگه دارد

(همان، غزل ۱۲۲)

جدول ۲ میزان تکرار و استفاده از واژه خبر و اشکال ارتباطی آن را نشان می‌دهد.

جدول ۲. میزان تکرار و به کارگیری کلمه خبر و اشکال ارتباطی آن در نمونه مورد مطالعه

عبارت مورد نظر	فراوانی	درصد
خبر	۵	۴۱/۶۶
آگهی	۲	۱۶/۶۶
پیام	۱	۸/۳۳
پیغام	۱	۸/۳۳
مژده (خبر خوش)	۳	۲۵
جمع کل	۱۲ مورد	۱۰۰

صبا و ایفای نقش ارتباط‌گر

ایفای نقش ارتباط‌گر با شاعر همچون انسانی که صاحب درک و شعور است مبین ایفای نقشی مهم در ارتباطات فردی است که بی‌شک به باد صبا جلوه‌ای بیش از یک خبر رسان می‌دهد. باد صبا این بار در مقامی قرار می‌گیرد که با شاعر به گفت و گو می‌پردازد و با او در تعامل است. تا دم از شام سر زلف تو هر جا نزنند / با صبا گفت و شنیدم سحری نیست که نیست

(همان، غزل ۷۳)

تو آتش گشتی ای حافظ ولی با یار درنگرفت / ز بدعهدی گل‌گویی حکایت با صبا گفتیم

(همان، غزل ۳۷۰)

با صبا در چمن لاله سحر می‌گفتم / که شهیدان که‌اند این همه خونین کفن‌ان

(همان، غزل ۳۸۷)

صبا و لزوم بی‌خبری

باد صبا با وجود نقش‌های گوناگون ارتباطی در جایی نیز باید خاموش باشد و بی‌خبر. شاعر از ترس این‌که باد صبا به دلیل ماهیت خبرچینی رازش را بازگو کند آرزو می‌کند تا صبا بی‌خبر باشد. اگرچه میزان این اشعار کم است، اما حافظ نقش بی‌خبری را نیز برای باد صبا لازم می‌داند.

ای جان، حدیث ما بر دلدار بازگو/ لیکن چنان مگو که صبا را خبر شود

حافظ چو نافه سر زلفش به دست توست/ دم درکش از نه باد صبا را خبر شود

(همان، غزل ۲۲۶)

صبا و منبع مطلع

باد صبا از دو موضوع مطلع است. اول از شرح حال پریشانی دلداده یا همان شاعر و این که او در عشق معشوق در چه آتش سوزانی افتاده است، که به دلیل نزدیکی و همدمی با شاعر است. دوم با خبر از دلبر و نشانی خانه و کویش به دلیل این که مدام از سرای دلبر به پیش عاشق می‌آید و همان‌طور که ذکر شد از او خبر و اطلاعی می‌دهد و محرمش است. حال، شاعر این منبع مطلع را هم به‌مثابه شاهد شیدایی خود و هم به‌مثابه با خبر از وضع دلبر می‌داند و در ابیاتی گوناگون به این نقش مهم صبا به‌مثابه منبع مطلع اشاره می‌کند.

منبع مطلع از دلداده

صبا ز حال دل تنگ ما چه شرح دهد/ که چون شکنج ورق‌های غنچه تو بر توست

(همان، غزل ۵۸)

چو دام طره افشانند ز گرد خاطر عشاق/ به غماز صبا گوید که راز ما نهان دارد

(همان، غزل ۱۲۰)

بسوخت حافظ و بویی به زلف یار نبرد/ مگر دلالت این دولتش صبا بکند

(همان، غزل ۱۸۷)

از صبا پرس که ما را همه شب تا دم صبح/ بوی زلف تو همان مونس جان است که بود

(همان، غزل ۲۱۳)

صبا بگو که چه‌ها بر سرم در این غم عشق/ ز آتش دل سوزان و دود آه رسید

(همان، غزل ۲۴۲)

منبع مطلع از دلبر

نشان یار سفر کرده از که پرسم باز/ که هر چه گفت برید صبا، پریشان گفت

(همان، غزل ۸۸)

صبا گر چاره داری وقت وقت است / که درد اشتیاقم قصد جان کرد

(همان، غزل ۱۳۷)

حسن فروشی گلم نیست تحمل ای صبا / دست زدم به خون دل بهر خدا نگار کو

(همان، غزل ۴۱۴)

جانها ز دام زلف چو بر خاک می‌فشاند / بر آن غریب ما چه گذشت ای صبا بگو

(همان، غزل ۴۱۵)

نقش مجرا

شاید مهم‌ترین وجه ارتباطی نقش‌های باد صبا در اشعار حافظ نقش مجرا و انتقال‌دهنده باشد. نقشی که در علم ارتباطات نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. باد صبا علاوه بر انتقال خبر، پیام و اطلاعات، با انتقال بو و عطر یار و گیسویش و آوردن آن به نزد شاعر، موجب تبلور معنی در ذهن شاعر که همان یاد و خاطر دلبر است، می‌شود. دیوید برلو نظریه‌پرداز معروف، در مبحثی با نام "معنی معنی" می‌نویسد: اغلب، داستان آن فرد را شنیده‌ایم که وقتی می‌پرسد چرا به خوک می‌گویند خوک، با این پاسخ مواجه می‌شود که "چون کثیف است". ما زبان را برای بیان و بیرون آوردن معنی‌ها به کار می‌بریم. در واقع این کارکرد اصلی زبان است. معنی، چیزی ذاتی و جدانشدنی از بسیاری تعاریف زبان است. در تدریس موضوع ارتباط به دیگران، در ارتباط با خودمان، در انتقاد از نحوه ارتباط دیگران و در مواردی مشابه، همیشه باید معنی، نقطه اصلی توجه ما قرار گیرد. به روشنی مشخص است که معنی وابسته به کدهایی است که ما در ارتباط انتخاب می‌کنیم. ما در به کارگیری زبان، مقاصد و نیت‌های خود را درون پیام‌ها و پاسخ‌هایی که به رمز درآورده‌ایم می‌گذاریم (محسنیان راد، ۱۳۸۵: ۸۲).

در واقع جانمایه نظریه دیوید برلو این است که معنی در پیام نیست بلکه در ذهن گیرنده پیام است. مصداق عینی این حرف دیوید برلو را می‌توان در بیت "بوی خوش تو هر که ز باد صبا شنید / از یار آشنا سخن آشنا شنید" دید و بنابراین باد صبا با هر بار بردن بوی دلبر به پیش عاشق بر این حرف برلو صحنه می‌گذارد. صبا به غیر از انتقال بو و عطر که موجب پدیدارگشتن معنی در ذهن‌ها می‌شود با انتقال مفاهیم و مقوله‌های دیگری نیز به این کار ادامه می‌دهد و نقشی مهم در فراگرد ارتباطی را بر عهده می‌گیرد.

انتقال بو و عطر یار و گیسویش

به بوی نافه‌ای کاخر صبا زان طره بگشاید / ز تاب جعد مشکینش چه خون افتاد در دل‌ها

(همان، غزل ۱)

با صبا همراه بفرست از رخت گلدسته‌ای / بو که بویی بشنویم از خاک بستان شما

(همان، غزل ۱۲)

صبا اگر گذری افتدت به کشور دوست / بیار نفعه‌ای از گیسوی معنبر دوست

(همان، غزل ۶۱)

چو باد عزم سر کوی یار خواهم کرد / نفس به بوی خوشش مشکبار خواهم کرد
صبا کجاست که این جان خون گرفته چو گل / فدای نکهت گیسوی یار خواهم کرد

(همان، غزل ۱۳۵)

صبا وقت سحر بویی ز زلف یار می‌آورد / دل شوریده ما را به بو در کار می‌آورد

(همان، غزل ۱۴۶)

بوی خوش تو هر که ز باد صبا شنید / از یار آشنا سخن آشنا شنید

(همان، غزل ۲۴۳)

ای صبا نکهتی از کوی فلانی به من آر / زار و بیمار غمم راحت جانی به من آر
دلم از دست بشد دوش چو حافظ می‌گفت / کای صبا نکهتی از کوی فلانی به من آر

(همان، غزل ۲۴۸)

ای صبا نکهتی از خاک ره یار بیار / ببر اندوه دل و مژده دلدار بیار

(همان، غزل ۲۴۹)

کس ندیده‌ست ز مشک ختن و نافه ی چین / آن چه من هر سحر از باد صبا می‌بینم

(همان، غزل ۳۵۷)

صبا تو نکهت آن زلف مشکبو داری / به یادگار بمانی که بوی او داری

(همان، غزل ۴۶۶)

انتقال غیر از بو و عطر

ز شرم آن که به روی تو نسبتش کردم / سمن به دست صبا خاک در دهان انداخت

(همان، غزل ۱۶)

هوای منزل یار آب زندگانی ماست/ صبا بیار نسیمی ز خاک شیرازم

(همان، غزل ۳۳۳)

صبا خاک وجود ما بدان عالی جناب انداز/ بود کان شاه خوبان را نظر بر منظر اندازیم

(همان، غزل ۳۷۴)

در جدول ۳، میزان تکرار و استفاده از واژه بو و کلمات هم معنای آن نشان داده شده است.

جدول ۳. میزان تکرار و به کارگیری کلمه بو و اشکال هم معنی آن در نمونه مورد مطالعه

عبارت مورد نظر	فراوانی	درصد
بو	۸	۴۷/۰۵
نکھت	۵	۲۹/۴۱
نفعه	۱	۵/۸۸
معنیر	۱	۵/۸۸
مشکبو	۱	۵/۸۸
مشک	۱	۵/۸۸
جمع کل	۱۷ مورد	۱۰۰

پیک صبا

حافظ که برای صبا بارها نقش فیزیکی قایل شده و حتی در مواردی او را همچون انسان پنداشته است، این بار نقش پیک را به مثابه قاصدی که از فیزیکی خاص برخوردار است، برای باد صبا در نظر می‌گیرد و البته از حرکت نرم و آهسته آن که خاصیت ذاتیش است، گلایه می‌کند و حتی او را بیمار خطاب می‌کند. اما نکته مهم این است که صبا نقش مرکب و پیک بودن را نیز تجربه کرده و از ویژگی فیزیکی آن در انتقال خبر،

پیام، اطلاعات و مفاهیم استفاده می‌کند تا با این کار، نقش‌های ارتباطی خود را کامل کند و نشان دهد که در اشعار حافظ، از جایگاهی بیش از یک مفهوم ساده برخوردار است.

اندر آن ساعت که بر پشت صبا بندند زین / با سلیمان چون برانم من که مورم مرکب است

(همان، غزل ۳۱)

شاید ار پیک صبا از تو بیاموزد کار / زان که چالاکتر از این حرکت باد نکرد

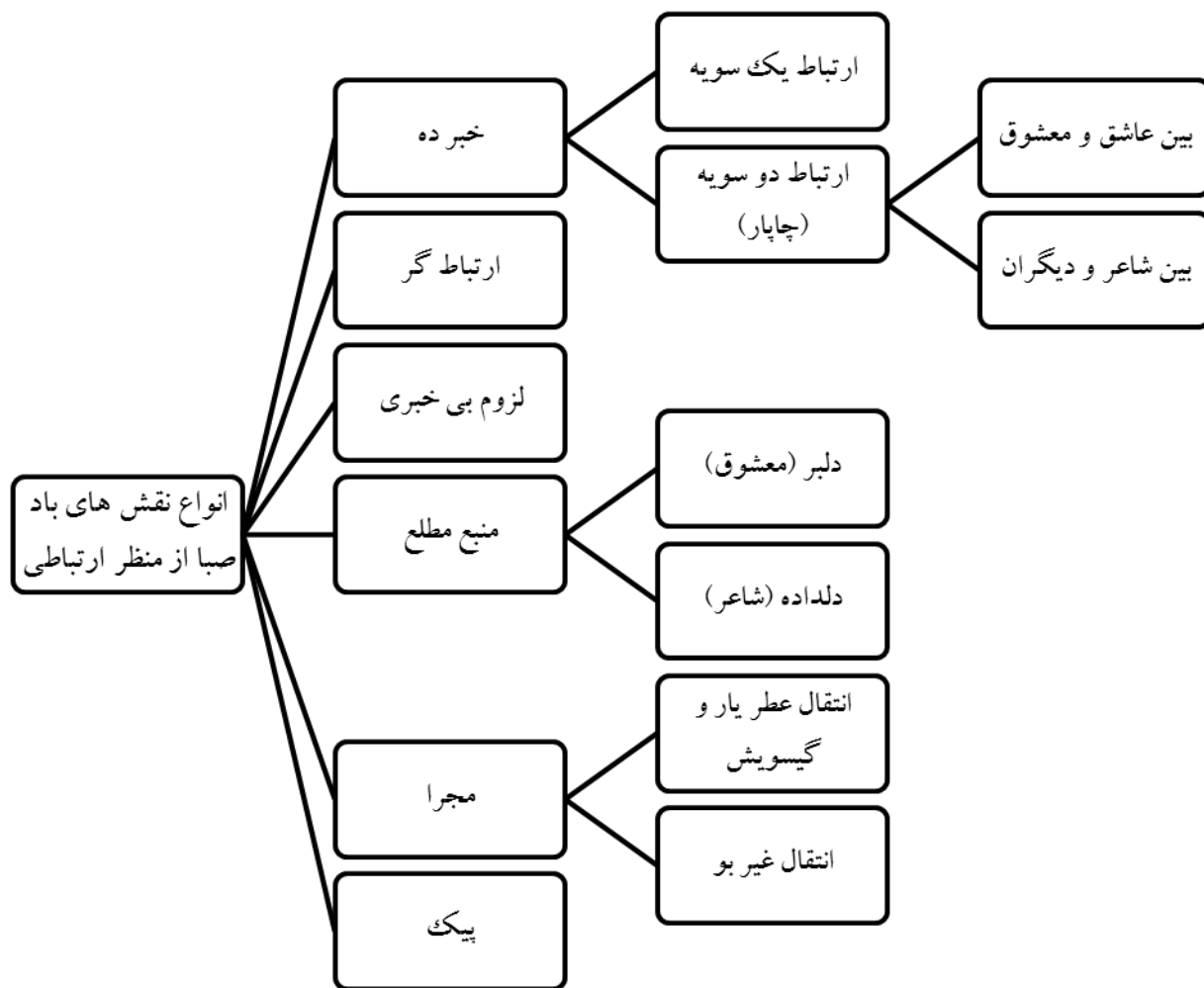
(همان، غزل ۱۳۸)

ز دلبرم که رساند نوازش قلمی / کجاست پیک صبا گر همی کند کرمی

(همان، غزل ۴۷۱)

با توجه به انواع نقش‌های ارتباطی باد صبا در شعر حافظ، می‌توان نموداری درختی که شامل شش شاخه اصلی و هشت شاخه فرعی است، به شکل زیر رسم کرد (شکل ۲):

شکل ۲. نمودار نقش‌های باد صبا از منظر ارتباطی در اشعار حافظ



نتیجه گیری :

در دنیای امروز که رسانه‌ها در صدر و کانون توجه محافل بشری هستند و محتوای ارائه شده از سوی آنها نقش مهمی را در زندگی ایفا می‌کند، بی‌شک توجه‌ای بیش از گذشته، به محتوای رسانه‌ها لازم به نظر می‌رسد. این درحالی است که می‌توان با مطالعه و تحلیل محتوای متون کهن فارسی در جهت ارتقاء وضعیت فعلی رسانه‌ها در کشور بهره‌شایانی گرفت. چراکه در اشعار شاعران برجسته سده‌های پیشین ایران مفاهیم زیادی وجود دارد که در صورت استخراج و رمزگشایی این مفاهیم، می‌توان از آنها در راستای پیاده‌سازی اهداف ارتباطی مد نظر از راه وسایل ارتباط جمعی بهره‌برد و گامی بلند در جهت بهبود سطح مخاطبان رسانه‌ها در زمینه‌های مختلف و به‌ویژه زمینه فرهنگی برداشت. تنها بسنده کردن به نظریات ارتباطی مطرح شده چند دهه قبل غرب، که توسط تعداد معدودی از روشنفکران غربی ارائه شده، برای داشتن رسانه‌هایی پرمحتوا، تاثیرگذار و پرنفوذ و البته موفق در فراگرد ارتباطی، کفایت نمی‌کند و ما نیازمند بومی‌سازی دانش موجود در کنار استخراج هدفمند از منابع غنی اندیشمندان و بزرگان علم و ادب فارسی هستیم.

پس از تحلیل آثار نظم و نثر کهن فارسی این نتیجه حاصل شد که می‌توان با استناد به برخی از آنها ثابت کرد که تعدادی از نظریه‌ها و اصول مطرح غرب، در گذشته به گونه‌ای مشابه در آثار اندیشمندان ایرانی در عرصه شعر و عرفان نیز آورده شده و در جهت اهداف ارتباطی آن زمان، از آن اصول استفاده شده است. این نکته ضرورت تحقیق و پژوهش در آثار ادبی به جای مانده را بیشتر می‌کند و امید به دست آوردن خروجی‌های خوبی را در زمینه‌های ذکر شده می‌دهد. همانطور که در متن مقاله آمد، باد صبا بیشتر نقش‌های فراگرد ارتباطی را از منبع و فرستنده گرفته تا گیرنده برعهده دارد که با دقت در جداول و نمودار به دست آمده، نیز بهتر می‌توان متوجه ابعاد آن شد. ایفای هشت نقش ارتباطی برای فقط یک مفهوم به کار رفته در شعر، نشان از غنای محتوا و توجه درست و دقیق شاعر به اجزای فراگرد ارتباطی دارد و همچنین از به کارگیری درست و تیزبینانه آن برای پیاده‌سازی مقصود ارتباطی مد نظر شاعر حکایت می‌کند. حافظ به جز دستیابی به این موارد و ارائه مفاهیم والای انسانی در مضامین اشعارش، با در نظر گرفتن نقش مجرا برای باد صبا که با انتقال بو و عطر یار و گیسویش تحقق می‌یابد و به‌ویژه در بیت "بوی خوش تو هر که ز باد صبا شنید/ از یار آشنا سخن آشنا شنید" به نکته‌ای ظریف اشاره کرده است که قرن‌ها بعد نظریه‌پرداز معروف دیوید برلو این حرف را در قالب نظریه‌ای جهانی با مضمون این که معنی در پیام نیست بلکه در ذهن گیرنده است، ارائه کرده که مورد توجه و استقبال زیادی از سوی متفکران و اندیشمندان قرار گرفته است.

منابع

منابع فارسی :

- حافظ، شمس الدین محمد (۱۳۶۸). **دیوان حافظ**. به کوشش محمد قزوینی و قاسم غنی. تهران. اساطیر. چاپ دوم.
- دو سوسور، فردینان (۱۳۸۲). **نشانه‌شناسی کاربردی**. تهران. نشر قصه. چاپ اول.
- سورین، ورنر و جیمز تانکارد (۱۳۸۶). **نظریه‌های ارتباطات**. ترجمه علی‌رضا دهقان. تهران. انتشارات دانشگاه تهران. چاپ سوم.
- فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۸۷). **ارتباطات انسانی**. جلد ۱. تهران. موسسه خدمات فرهنگی رسا. چاپ چهاردهم.
- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۷). **ارتباط‌شناسی**. تهران. سروش. چاپ هشتم.
- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۷). **ریشه‌های فرهنگی ارتباط در ایران**. تهران. نشر چاپار. چاپ اول.
- معمد نژاد، کاظم (۱۳۸۶). **وسایل ارتباط جمعی**. تهران. انتشارات دانشگاه تهران. چاپ ششم.
- مک کویل، دنیس (۱۳۸۸). **درآمدی بر نظریه ارتباطات اجتماعی**. ترجمه پرویز اجلالی. تهران. دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها. چاپ سوم.
- نصیری جامی، حسن (۱۳۸۸). **"رازمندی باد صبا در شعر حافظ"**، فصلنامه/دب، ش ۷.